رهبر انقلاب در مراسم بزرگداشت شهدای پرواز اردیبهشت مطرح کردند

پاسخ ایران به یاوه‌گوها

خدمت رئیسی خدمت به عزت ملی بود

رهبر معظم انقلاب اسلامی با تشریح خصوصیات قلبی، زبانی و عملی رئیس‌جمهور شهید گفتند: «رئیسی عزیز مصداق کامل خصوصیات یک مسئول حکومت الهی بود و با تلاش خستگی‌ناپذیر به «مردم و به آبرو و عزت و اعتبار ملت» خدمت کرد و این راه و روش برای همه ما مسئولان، جوانان و آیندگان درس بزرگی است.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین با تذکر به آمریکایی‌ها برای پرهیز از یاوه‌گویی پیرامون مذاکرات هسته‌ای با ایران، تأکید کردند: «حرف‌های آمریکایی‌ها درباره اینکه اجازه غنی‌سازی به ایران نمی‌دهیم غلط زیادی است و جمهوری اسلامی سیاست و روش خود را در این زمینه دنبال خواهد کرد.»

رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز و همزمان با اولین سالگرد شهادت آیت‌الله رئیسی و همراهان، در دیدار «خانواده‌های شهید رئیسی و دیگر شهیدان خدمت» و نیز خانواده‌های شهدای مسئول در دهه‌های اخیر، شهیدان آل هاشم، امیرعبداللهیان، شهدای گروه پرواز، استاندار آذربایجان شرقی و فرمانده حفاظت را که در حادثه تلخ ۳۰ اردیبهشت سال گذشته همراه شهید رئیسی به لقاءالله پیوستند، مورد تجلیل قرار دادند.

در ردیف مردم

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیان نکاتی پیرامون شهید رئیسی فرمودند: «دوری از حاکمیت فرعونی و حرکت در مسیر حاکمیت الهی، معیاری مهم برای مدیریت کشور است که شهید رئیسی مصداق تام آن بود.» رهبر انقلاب در این دیدار که جمعی از مسئولان نیز حضور داشتند با استناد به آیات قرآن، گفتند: «خود برتربینی، تحقیر مردم و بار مسئولیت خود را به دوش مردم انداختن از جمله خصوصیات حکومت فرعونی است که رئیسی در نقطه مقابل این خصوصیات قرار داشت و خود را در ردیف مردم و در مواردی کوچک‌تر از مردم می‌دانست و با این نگاه کشور را اداره می‌کرد.»

ایشان به‌کارگیری همه توان برای خدمت به بندگان خدا و پرهیز از هرگونه استفاده از موقعیت سیاسی-اجتماعی ناشی از مسئولیت را، درس بزرگ شهید رئیسی خواندند و افزودند: «در نظام اسلامی کسانی که دارای چنین خصوصیاتی هستند، کم نیستند؛ اما این ویژگی‌ها و درس‌ها باید به‌صورت فرهنگ عمومی دربیاید.»

خاشع، صادق و خستگی‌ناپذیر

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دل، زبان و عمل هر شخصی را ۳ عنصر اصلی برای شناخت شخصیت او خواندند و افزودند: «رئیسی دلی خاشع و ذاکر، زبانی صریح و صادق و عملی خستگی‌ناپذیر و دائم داشت.» ایشان خشوع و دعا و توسل و انس با پروردگار را در همه دوره‌های مسئولیتی و بی‌مسئولیتی از ویژگی‌های رئیسی عزیز خواندند و افزودند: «دل او همچنین لبریز از مهربانی به مردم بود و بدون گله‌مندی از توقعات و با بدبینی به مردم، مدام نگران رفاه و وظایف سنگین خود بود؛ یعنی دلش با خدا و با مردم و دغدغه‌مند وظایف اسلامی بود.» رهبر انقلاب عمل به تکلیف الهی را نتیجه هدف‌گرای رئیسی از پذیرش مسئولیت فوه قضائیه و ورود به رقابت‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری خواندند و تأکید کردند: «خیلی‌ها می‌گویند در پی ادای تکلیفند؛ اما ما این خصوصیت را در او می‌دیدیم.»

گمان نمی‌کنم مذاکرات به نتیجه برسد

ایشان زبان شهید رئیسی را در داخل و حتی در عرصه دیپلماسی صریح و صادقانه دانستند و افزودند: «رئیسی صریح موضع می‌گرفت و اجازه نمی‌داد دشمن این امکان را بیابد که ادعا کند ایران را با تهدید و تطمیع و حیله به پای میز مذاکره آورده است.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هدف طرف مقابل از اصرار بر مذاکره مستقیم را القای نوعی تسلیم ایران دانستند و گفتند: «شهید رئیسی این اجازه را به آن‌ها نداد؛ البته در زمان ایشان مذاکره غیرمستقیم مثل زمان کنونی انجام می‌شد که به نتیجه نرسید که الان هم گمان نمی‌کنیم به نتیجه برسد و نمی‌دانیم چه خواهد شد.»

کسی منتظر اجازه این‌وآن برای غنی‌سازی نیست

رهبر انقلاب همچنین با تذکر به طرف آمریکایی درباره پرهیز از یاوه‌گویی تأکید کردند: «این حرف آمریکایی‌ها که به ایران اجازه غنی‌سازی نمی‌دهیم، غلط زیادی است و در کشور کسی منتظر اجازه این‌وآن نیست و جمهوری اسلامی همان سیاست و روش خود را پیگیری خواهد کرد.» ایشان با اشاره به اصرار آمریکایی‌ها بر خرجی غربی‌ها درباره انجام نشدن غنی‌سازی در ایران گفتند: «در مناسبتی دیگر به ملت خواهم گفت که نیت و هدف واقعی آن‌ها از این اصرار چیست.»

صداقت رئیسی برابر زبان کذاب مسئولان غربی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به‌صراحت و صداقت شهید رئیسی گفتند: «برای درک اهمیت این رفتار باید آن را با زبان کذاب مسئولان برخی کشورهای غربی مقایسه کرد که فریاد آن‌ها در دفاع از صلح و حقوق بشر گوش دنیا را کر کرده؛ اما چنان خود را به کشتن‌شدن بیش از ۲۰ هزار کودک مظلوم در غزه بسته‌اند و به جنایت‌کاران کمک هم می‌کنند.» رهبر انقلاب مظلوم در غزه بسته‌اند و به جنایت‌کاران کمک هم می‌کنند.» رهبر انقلاب برجستگی کاری و عملی شهید رئیسی را جنبه دیگری از امتیازات او خواندند و گفتند: «شهید رئیسی یک‌سره کار و تلاش بود و برای خدمت و کار باکیفیت و مداوم، خستگی و شب‌وروز نمی‌شناخت. حتی وقتی مکرر به او سفارش می‌کردیم که مراقب فشار کار بر سلامتی خود باشد می‌گفت من از کار خسته نمی‌شوم.»

خدمات رئیسی

ایشان خدمات مختلف شهید رئیسی همچون آبرسانی، احداث راه، ایجاد اشتغال، راه‌اندازی کارگاه‌های راکد یا تعطیل‌شده و تکمیل پروژه‌های ناتمام و معلق مانده را خدمات مستقیم و ملموس برای مردم خواندند و افزودند: «شهید رئیسی همچنین به آبرو و عزت ملی و اعتبار ملت ایران نیز خدمت کرد و آن را ارتقا داد.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گزارش مراکز مالی بین‌المللی از افزایش رشد اقتصادی ایران از نزدیک صفر درصد برای دولت سیزدهم به نزدیک ۵ درصد در پایان‌آن را، مایه افتخار و عزت ملی و نشان‌دهنده پیشرفت کشور دانستند و گفتند: «سردست گرفتن قرآن با عکس شهید سلیمانی در مجمع عمومی سازمان ملل دیگر اقدماتی بود که شهید رئیسی با آن‌ها ملت ایران را عزیز کرد.»

از آزمان ۱۹ ساله تا آیت‌الله ۹۰ ساله

ایشان در نوعی جمع‌بندی از سخنان خود، بازتولید و جلوگرد شدن نورانیت، روحیه، انگیزه و احساس مسئولیت مسئولان شهید سال‌های اول انقلاب از جمله همکاران جوان شهید رجایی در منش و رفتار شهید رئیسی و بسیاری از همکاران جوان او را بسیار باارزش و نشان‌دهنده قدرت انقلاب خواندند و افزودند: «تداوم تربیت مردان ازخودگذشته و کارآمد به‌وسیله انقلاب همان فتح‌الفتوح امام بزرگوار است.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این واقعیت که شهدای پرواز اردیبهشت در زمان پیروزی انقلاب با جلوه و نورجوان بوده و یا هنوز متولد نشده بودند، تربیت این جوانان و صدها هزار جوان دیگر در گوشه‌وکنار کشور را امتیاز انقلاب اسلامی برشمردند و گفتند: «این قدرت انقلاب اسلامی است که می‌تواند جوان ۱۹ ساله‌ای همچون آرمان علی‌وردی را در امتداد همان خطی بسیج کند که ۴۰ سال قبل شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی ۹۰ ساله در آن راه شهید شد.»

ایشان با تأکید بر اینکه انقلابی برخوردار از چنین قدرت و توان بسیج کنندگی مستمر شکست‌خوردنی نیست، افزودند: «باید قدر این انقلاب، قدرت انسان‌سازی انقلاب، پیشرفت‌های ناشی از آن و حرکت عظیم ملت ایران را دانست و از پرورد گار برای ادامه آن کمک خواست تا این درس ماندگار ملت ایران، برای بشریت و ملت‌های دیگر نیز جاری و تثبیت شود.»

آمریکایی‌ها چرا روی خط قرمز ایران پا می‌گذارند؟

غنی‌سازی صفر؛ نداریم!

■ حسین طالبی: آمریکایی‌ها درزمان شاه می‌گفتند ایران تا ۱۹۹۰ باید ۲۰ هزار مگاوات برق هسته‌ای داشته باشد

■ حسین آبنیکی: تعطیلی غنی‌سازی هسته‌ای قدرت ملی ما را تضعیف می‌کند

زهرا طیبی
خبرنگار گروه سیاست

تأکید ایران بر خط قرمزش یعنی غنی‌سازی صلح‌آمیز هسته‌ای، محدود به امروز و دیروز نیست و به‌اندازه عمر فعالیت هسته‌ای ایران سابقه دارد. روز گذشته اما رهبر انقلاب در واکنش به اظهارنظرهای زیاده‌خواهانه کاپیته ترامپ‌مرود تعطیل‌سازی حق غنی‌سازی ایران بازهم به‌این موضوع تأکید کردند و گفتند: «اینکه بگویند ما به ایران اجازه غنی‌سازی نمی‌دهیم، این غلط زیادی است. کسی مشتاق اجازه این و آن نیست. جمهوری اسلامی سیاستی دارد، روشی دارد، سیاست خودش را تعقیب می‌کند.» پیش‌ازاین مقامات دستگاه‌وزارت خارجه هم بارها به این موضوع تأکید کردند که حفظ‌فرد ایران در مذاکرات حق غنی‌سازی صلح‌آمیز هسته‌ای است. علی‌رغم این واقعیت، در چند دور مذاکرات میان ایران و آمریکا در پیام‌ها و گفت‌وگوهای رسمی به این موضوع تأکید داشت که «حفظ غنی‌سازی ایران و زیرساخت‌های هسته‌ای کشور» غیرقابل مذاکره است. تأکید صریح آمریکایی‌ها بر تعطیل‌کردن برنامه هسته‌ای ایران با ابزار تهدید و فشار ابعاد و اهداف گسترده‌ای دارد، موضوعی که رهبر انقلاب نیز در بخشی از صحبت‌های روز گذشته خود به آن اشاره کردند. مسئله این است که ادامه و پیشرفت غنی‌سازی ایران حتی بدون دستیابی به سلاح هسته‌ای در حوزه‌های مختلف مثل تولید رادیودارو و تولید برق نوانمند می‌شود. تعطیلی غنی‌سازی هسته‌ای عملاً ایران را از استفاده از قابلیت‌هایی این دانش محروم می‌کند، محرومیت از این دانش نیز لطمه ایران را در موقعیت ضعیفی برق با استفاده از فناوری هسته‌ای درسال‌های آینده می‌تواند به مدیریت بحران بحران کمک کند؛ اما محروم شدن ایران از این توانمندی مدیریت بحران نازنازی زیاد با دشواری‌های زیادی همراه می‌کند، نکته دیگر آن که تحکم‌کردن فناوری هسته‌ای ایران، امکان استفاده از این فناوری در حوزه‌هایی که به توانمندی‌های دفاعی ایران هم مربوط می‌شود را محدود می‌کند. درحالی‌که بسیاری از کشورها با ایجاد و احداث نیروگاه‌های هسته‌ای به دنبال تقویت قدرت خود هستند، تعطیلی دانش بومی هسته‌ای ایران نوعی خودکشی حساب می‌شود و پروژه ضعیف ایران را محقق می‌کند. گویا آمدن ایران در استفاده از فناوری هسته‌ای اش، عملاً این امکان را به آمریکایی‌ها می‌دهد که پس از آن خواسته‌های زیاده‌خواهانه دیگری در مورد توانمندی دفاعی ایران مطرح کنند. به همین منظور کوتاه آمدن ایران مقابل وعده برنامه ایران را از داشتن یک توانمندی راهگشا محروم می‌کند، به لحاظ سیاسی، قدرت ایران را تضعیف می‌کند. برای بررسی ابعاد مهم غنی‌سازی هسته‌ای ایران و اهمیت حفظ آن با «حسین طالبی» و «حسین آبنیکی» کارشناسان حوزه هسته‌ای گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

■■■

حسین طالبی، کارشناس هسته‌ای: آمریکایی‌ها درزمان شاه می‌گفتند ایران تا ۱۹۹۰ باید ۲۰ هزار مگاوات برق هسته‌ای داشته باشد

حسین طالبی ابتدا به این موضوع اشاره کرد که یکی از کارکردهای مهم فناوری هسته‌ای در حوزه انرژی است. وی گفت: «فناوری هسته‌ای کاربردهای متفاوت و متعددی دارد. عمده کاربرد آن در بحث تولید انرژی است. این حوزه دو بخش دارد: یک بخش، بخش رآکتور و تولید قدرت است؛ خروجی فناوری هسته‌ای است که برق را تولید می‌کند مثل رآکتور بوشهر که بسیاری از کشورها که این قسمت را دارند، یک قسمت دیگر هم که به آن تولید سوخت می‌گریم؛ یعنی مواد لازم که باید وارد رآکتور شود تا آن نیروتولید ایجاد شود. این دو بخش باید مکمل یکدیگر باشند تا تضمین به تولید واقعی انرژی وجود داشته باشد. باید یک گام عقب‌تر برویم و این سؤال را بپرسیم که بحث انرژی و اولاً چقدر اهمیت دارد و سهم هسته‌ای چقدر است و آیا قابل جبران است یا نه؟ درباره اهمیت انرژی، دادمهایی دیرهم که می‌توان به آن استناد کرد. برای مثال حدود پنج سال پیش از تجارت روزانه‌ای که انجام می‌شد، بین ۱۴ تا ۱۵ درصد کل آن چیزی که در دنیا معامله می‌شود، مربوط به انرژی و حامل‌های انرژی است. شما نرخ کیف، چند هزار قلم کالا و خدمات وجود دارد و یکی از آن‌ها به تنهایی حدود یک‌ششم بار کل سهم ترانزیتی مالی را دارد. این نشان‌دهنده اهمیت این موضوع است.» اگر کسی عصاقی نه به این قضیه نگاه کرده باشد، به‌طور مشخص کشورما، از سال گذشته تا الان، شدیداً درگیر نازنازی انرژی به‌خصوص در حوزه برق است. با اینکه کشوری هستیم که منابع عمده تولید انرژی را تشکیل می‌دهد. اگر قرار باشد این عدد بالا برود، مثلاً به ۴۰ یا ۵۰ درصد، ما به تعداد بسیار بیشتری نیروگاه نیاز داریم. اینکه چقدر در این قضیه همت به خرج دهیم و چقدر این مسئله را مهم بدانیم به این بستگی دارد که دولت چقدر سرمایه‌گذاری کند. ما طرح‌های مشابه داریم، قبل از انقلاب دریکی از پیشنهادهای به یک دانشگاهی آمریکایی به‌ما داده بود که مربوط به سال‌های ۱۹۷۰ بود. پیشنهاد داده بود که اگر قرار است ایران به قدرت منطقه‌ای تبدیل شود، باید تا سال ۱۹۹۰ حدود ۲۰ هزار مگاوات برق هسته‌ای تولید کند؛ یعنی ۲۰ برابر نیروگاه بوشهر امروز ما. این پیش‌بینی مربوط به حدود ۵۰ سال پیش است. طرح این ۲۰ مگاوات نیروگاهی مستلزم سرمایه‌گذاری بوده است. آن زمان، به هر دلیلی، سمت‌گیری حکومت به آن سمت رفت. یعنی قرارداد‌هایی بسته شد که نه فقط از داخل، بلکه فشارهای خارجی، هم وجود داشت، مثلاً آمریکایی‌ها و فرانسوی‌ها نه تا حدودی فشار می‌آوردند که بیایند و در ایران، رآکتور احداث کنند. ولی فقط یکی از آن‌ها عملیاتی شد. بااین‌حال، طرح ۲۰ گیگاوات برق، طرح‌های اولیه‌اش آماده بود؛ برای مثال در خنداب راه‌اندازی نیم درصد را کنار بگذاریم، غنی‌سازی ۲ درصدی که الان داریم، برای رآکتور تهران که در اریه با آن کار تحقیقاتی انجام می‌دهیم، هم تولید رادیودارو می‌کنیم و بیش از یک میلیون نفر از این رادیودارو‌ها در تشخیص بیماری‌ها استفاده می‌کنند و در بعضی موارد، درمان بیماری‌ها؛ آن هم بیماری‌های صعب‌العلاج، بسیاری از سرطان‌ها، بیماری‌های مغزی، کلیوی و قلبی. این‌ها با استفاده از این فناوری است. اگر ما این فناوری را نداشته باشیم و نتوانیم سوخت رآکتور تهران را تولید کنیم، جان بیش از یک میلیون بیمار به خطر می‌افتد.»

حذف سوخت ۲۰ درصد، جان یک میلیون بیمار را به خطر می‌اندازد

آبنیکی به این موضوع اشاره کرد که رآکتور تهران که برای تولید رادیودارو‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، یک دهه است که با سوخت ایرانی تولید می‌شود و گفت: «رآکتور تهران، تقریباً یک دهه است که با سوخت ایرانی کار می‌کند. اگر ما غنی‌سازی ۲۰ درصد را کنار بگذاریم، معنایش این است که ما سوختی برای رآکتور تهران نخواهیم داشت و غربی‌ها نه آن موقع، نه از آن موقع تا الان، حاضر نشدند به ما سوخت ۲۰ درصد بدهند. رادیودارو هم حاصلش نیست، کمااینکه داروهای بیماری‌های پروانه‌ای و حیلی داروهای دیگر را هم همین حالا به ما نمی‌دهند. حالا ما تحریم را دور می‌زنیم؛ با تولید داخل می‌کنیم. کمااینکه مدام واکسن کرونا را به ما نمی‌دادند. ما خیلی محدود توانستیم از بیرون تأمین کنیم و بیشترش را سعی کردیم در داخل تولید کنیم. فلذا نداشتن سوخت ۲۰ درصد، به معنای این است که ما رادیو دارو نخواهیم داشت. در تشخیص و درمان، حدود بیش از یک میلیون بیمار، فلج خواهیم شد و جان این‌ها به مخاطره می‌افتد. سوخت ۶۰ درصد هم که الان، تولید می‌کنیم، روی پروژه‌ای هست که برای پیشران‌های هسته‌ای، یعنی موتورهایی که سوخت‌شان از سوخت هسته‌ای تأمین می‌شود. این موتورها‌یی زیردریایی‌ها و برای یکسری کشتی‌های بزرگ هستند، برای جابه‌جایی دریایی است. هم‌اکنون ما داریم آن موتورهای دارو‌ی را می‌سازیم. الان تقریباً هفت، هشت سالی است که روی این‌ها کار می‌شود، و ان‌شاءالله بزودی صاحب پیشران‌های هسته‌ای خواهیم بود؛ موتورهایی که در واقع سوخت‌شان از فناوری هسته‌ای تأمین می‌شود. آن وقت اگر قرار باشد که سوخت ۶۰ درصد در اختیار نداشته باشیم، معنایش این است که عملاً آن موتورهای دریایی را هم ما نخواهیم داشت. مادر کشتیرانی‌مان نخواهیم توانست از این امکان بهره‌برداری کنیم. بنابراین، همین سه مقوله‌ای که الان ما در حوزه غنی‌سازی داریم، هر سه مورد، مصرف‌اهدری‌برای ما دارد و مانمی‌توانیم بگوییم این رآکتار می‌گذاریم و از شر دیگر فناوری استفاده می‌کنیم یا سوخت را از جای دیگر تأمین می‌کنیم؛ کما اینکه هیچ کشوری هم تا حالا به ما نداده است. فقط روس‌ها سوخت رآکتور بوشهر را که خودشان ساخته‌اند. دارند تأمین می‌کنند. ما همین الان رآکتور‌های مختلف دیگری در کشور داریم می‌سازیم و سوختشان را فاقد‌تاً باید خودمان تأمین کنیم و کسی به ما نخواهد داد.»

مسئله، تضعیف قدرت ملی کشور است

آبنیکی به این موضوع اشاره کرد که غنی‌سازی هسته‌ای، حتی تا ۹۰ درصد هم می‌تواند صلح‌آمیز باشد و در ادامه افزود: «همین رآکتور تهران در زمان طاغوت بود، هیچ مشکلی هم نداشته و راه‌اندازی شد. حالا بعد از انقلاب، سوخت را به ۲۰ درصد تبدیل کرده و ما هم پذیرفتیم. بنابراین حتی غنای بالای ۹۰ درصد هم معنای غیرصلح‌آمیز بودن فعالیت‌صنعت هسته‌ای نیست. بسیاری از رآکتورهای تحقیقاتی در دنیا سوخت بالای ۹۰ درصد استفاده می‌کنند. نباید کسی تصور کند که اگر ما با خواهیم سوخت مثلاً بالای ۹۰ درصد هم تولید کنیم، یعنی داریم فعالیت غیرصلح‌آمیز انجام می‌دهیم. پروژه‌های تحقیقاتی زیادی می‌توانیم داشته باشیم که سوخت‌شان بالای ۹۰ درصد استفاده کنند. اصلاً بحث اعتماد نیست؛ بحث تضعیف قدرت ملی کشور است. این تضعیف قدرت ملی کشور در فضای این اتاق مطرح می‌شود که روحانی سرش بال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ مسئول مذاکرات هسته‌ای ایران بود. در آن دوره، هدف اصلی او خارج کردن پرونده هسته‌ای ایران از دستور کار شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تبدیل آن به یک پرونده عادی بود. بااین حال، عملکرد او در این دوره نتیجه‌اش به این هدف منجر نشد، بلکه با تعلیق داوطلبانه فعالیت‌های هسته‌ای ایران به مدت دوسال، پیشرفت برنامه هسته‌ای کشور متوقف شد. در این مدت، شورای حکام بش قطعنامه علیه ایران صادر کرد و تنها نهایتاً پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شد. کمازینستا تحریم‌های گسترده بین‌المللی علیه ایران شد. در واکنش به این عقب‌نشینی‌ها، تصمیم کشور UCF اصفهان که قرار بود به روند پیشروی بشود به بدنبال آن نیز متوقف شد. بعد هادر مواضع عملی نیز اعلام شد که این اقدام باید در همان دولتی انجام می‌شد که عقب‌نشینی می‌کرد. اما متأسفانه مجاز بر اطراف ادعای روحانی هیچ ربطی به انتخابات سال ۹۴ نداشته است. چنین رویکردی به این دلیل بود که بیام حاکمیت دوگانه از ایران به طرف غرب ارسال نشود تا به این ترتیب طرف آمریکایی برای ما همگیری از اختلاف نظرات طرح نکرده و به اینجا بدوقطبی در کشور دامن نزند. که البته رویکردهای مشابه اظهارات روحانی باعث شد تا آمریکا در سال‌های مختلف، از جمله دو بار در دولت دوم روحانی، دست به ایجاد آشوب در کشور بزند.

خودتان هم که اعتراف کرده بودید جناب

روحانی در کتاب خاطرات خود صراحتاً آذعان کرده است که در ارای تعلیق

روحانی با جعل روایت از نتایج معاهدهٔ سعدآباد، پازل آمریکا برای شکست مذاکرات و مقصرنمایی ایران را تکمیل می‌کند

هم‌بازی ویتکاف از سعدآباد آمد

حسن روحانی که چند ماهی است برای احیای وجهه سیاسی خود تلاش می‌کند، در جدیدترین اقدام خود طی جلسه‌ای با اعضای شورای مرکزی حزب مجمع ایثارگران اظهاراتی را مطرح می‌کند که هم خلاف واقعیت است و هم در زمانی که مقدمات آمریکایی با مطالبات زیاده‌خواهانه در مورد برچیده شدن صنعت هسته‌ای ایران مذاکرات را به بست‌بن‌بست هدایت می‌کنند، دست آن‌ها را برای اینکه تقصیرات رابه گردن ایران بیندازند، باز می‌گذارد. در دومین کلیپ منتشرشده از جلسه مذکور، روحانی مدعی شده است که: «در سال ۱۳۸۴ امکان حل وفصل نهایی پرونده هسته‌ای ایران وجود داشت، اما تبیعت انتخابات ریاست‌جمهوری آن سال، مسیر این پرونده را تغییر داد.» این اظهارات که مبتنی بر استدلال‌های ضعیفی نیز بیان می‌شوند، صرفاً برای تداوم حیات سیاسی روحانی منتشر می‌شود. تیم رسانه‌ای روحانی برای اینکه به این صحبت‌های غلط‌بیشتر ضریب داده‌باشد، به جای انتشار یک‌جای و یدئوی جلسه، به نظر می‌رسد قصد دارد صحبت‌های ادعایی روحانی را طی کلیپ‌هایی جداگانه و هر چند روز یک بار منتشر کند.

یک ادعای جدید

روحانی در توضیح ادعای اکمال حل و فصل پرونده هسته‌ای در سال ۸۴، به سه راه‌حل پیشنهادی اشاره کرده است: نخست، پیشنهاد سه‌کشور اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) مبنی بر تعلیق سه‌ساله فعالیت‌های هسته‌ای ایران در ازای آزادی کامل فعالیت‌هایی از این دوره؛ دوم، توافقی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که یک‌سال و نیمه‌طول می‌انجامید؛ و سوم، طرحی برای تشکیل کنسرسیومی با مشارکت آلوفای جنوبی، الجزایر، هند و برزیل برای غنی‌سازی اورانیوم در ایران. به گفته روحانی، این راه‌حل‌ها در آخر تحر منتشر شد، بدون اینکه به نتیجه برسد. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که روحانی بین سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ مسئول مذاکرات هسته‌ای ایران بود. در آن دوره، هدف اصلی او خارج کردن پرونده هسته‌ای ایران از دستور کار شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تبدیل آن به یک پرونده عادی بود. بااین حال، عملکرد او در این دوره نتیجه‌اش به این هدف منجر نشد، بلکه با تعلیق داوطلبانه فعالیت‌های هسته‌ای ایران به مدت دوسال، پیشرفت برنامه هسته‌ای کشور متوقف شد. در این مدت، شورای حکام بش قطعنامه علیه ایران صادر کرد و تنها نهایتاً پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شد. کمازینستا تحریم‌های گسترده بین‌المللی علیه ایران شد. در واکنش به این عقب‌نشینی‌ها، تصمیم کشور UCF اصفهان که قرار بود به روند پیشروی بشود به بدنبال آن نیز متوقف شد. بعد هادر مواضع عملی نیز اعلام شد که این اقدام باید در همان دولتی انجام می‌شد که عقب‌نشینی می‌کرد. اما متأسفانه مجاز بر اطراف ادعای روحانی هیچ ربطی به انتخابات سال ۹۴ نداشته است. چنین رویکردی به این دلیل بود که بیام حاکمیت دوگانه از ایران به طرف غرب ارسال نشود تا به این ترتیب طرف آمریکایی برای ما همگیری از اختلاف نظرات طرح نکرده و به اینجا بدوقطبی در کشور دامن نزند. که البته رویکردهای مشابه اظهارات روحانی باعث شد تا آمریکا در سال‌های مختلف، از جمله دو بار در دولت دوم روحانی، دست به ایجاد آشوب در کشور بزند.

خودتان هم که اعتراف کرده بودید جناب

روحانی در کتاب خاطرات خود صراحتاً آذعان کرده است که در ارای تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای، ایران «تقریباً هیچ» دستاوردی کسب نکرد. او می‌نویسد: «متأسفانه، در مقابل اگر نگویم هیچ، ایران مابه‌ازای بسیار اندکی دریافت کرد و بارها اقدامات اعتمادساز خود را افزایش داد و تنها در عوض آن، با قول‌های انجام‌نشده و درخواست‌های بیشتر روبه‌رو شد.» این اعتراف خود نشان‌دهنده ناکامی رویکرد مذاکراتی او در آن مقطع است. با این حال، روحانی در سال ۱۳۹۲ با شعار حل‌وفصل پرونده هسته‌ای و لغو تحریم‌ها و ارد رقابت‌های انتخاباتی شد. او در آن زمان با وعده‌های معروف اظهار داشت: «چرخ ساتریفیوژ‌ها باید بچرخد. اما نه به قیمت از کار افتادن چرخ صدها کارخانه.» این شعار، وعده‌ای بود برای توازن بین پیشرفت هسته‌ای و بهبود وضعیت اقتصادی کشور. اما نتیجه مذاکرات که منجر به توافق برجام در سال ۱۳۹۴ شد، نشان داد که انتظارات برآورده نشده است. توافقی که قرار بود تحریم‌های اقتصادی را لغو کند و چرخ صنعت هسته‌ای را به حرکت درآورد، در عمل نه‌تنها گره‌ای از مشکلات اقتصادی ایران باز نکرد، بلکه صنعت هسته‌ای کشور را نیز با محدودیت‌های گسترده‌ای مواجه ساخت. ولی‌الله مسیف، رئیس وقت بانک مرکزی در دولت روحانی، در مصاحبه‌ای با نشریه فوربز در سال ۱۳۹۵، تنها نه ماه پس از اجرای برجام، صراحتاً اعلام کرد که از زمان اجرای این توافق، «تقریباً هیچ» اتفاق مثبتی رخ نداده است. سیدعباس عراقچی، معاون وقت وزارت امور خارجه نیز در مذاکرات برجام نیز به سال‌بعد‌دل گفت‌گو با رسانه ملی‌ندای NRC تأیید کرد که پایبندی ایران به برجام، تنها به اعمال تحریم‌های جدید منجر شده است.

تجربهٔ سعدآباد و درس‌های نگرفته‌شده

در نخستین کلیپ از اظهارات روحانی که پیش از این منتشر شده بود، او به مذاکرات سعدآباد در سال ۱۳۸۲ اشاره کرده و روایتی از وعده‌های وزرای خارجه انگلیس و فرانسه‌قل می‌کند. به گفته‌او، این مقامات قبل‌دادعده‌ای دادند که‌ایران‌ای تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای ایران، مانع ارجاع پرونده ایران به شورای حکام‌شوند و حتی در صورت اقدام آمریکا، از حق وتوی خود علیه این کشور استفاده کنند. با این حال، این وعده‌ها عملی نشد و شورای حکام نه‌تنها علیه ایران قطعنامه صادر کرد، بلکه مهلتی ۵۰ روزه‌برای تعلیق کامل فعالیت‌های هسته‌ای ایران تعیین کرد. این تجربه، که

اظهارات روحانی درباره پرونده هسته‌ای ایران، بیش از آن‌که مبتنی بر واقعیت‌های تاریخی یا تحلیل شرایط کنونی باشد، به نظر می‌رسد تلاشی برای احیای جایگاه سیاسی او در فضای عمومی کشور است. این اظهارات، که با خوش‌بینی افراطی به مذاکرات با غرب و اعتماد بیش‌ازحد به وعده‌های اروپایی‌ها همراه است، نه‌تنها دستاوردی برای ایران به همراه نداشته، بلکه می‌تواند به منافع ملی کشور آسیب برساند. ایران در مذاکرات هسته‌ای باید از موضع قدرت و با تکیه بر منافع ملی خود عمل کند، نه این‌که با دادن امتیازات یک‌طرفه، به امید وقوع تهدیدات موهوم، در دام زیاده‌خواهی طرف مقابل بیفتد. اظهارات روحانی، که همچنان بر همان الگوی مذاکراتی دهه‌های گذشته تأکید دارد، نشان‌دهنده عدم تجدیدنظر در رویکردی است که بارها نتایج آن را تجربه کرده است. آنچه در مذاکرات هسته‌ای اهمیت دارد، نه صرفاً دستیابی به توافق، بلکه توافقی است که حقوق و منافع ایران را به‌طور کامل تأمین کند.

قبل از موضع‌گیری اخبار مذاکرات را مرور کنید

اظهارات اخیر مقامات آمریکایی درباره مذاکرات هسته‌ای ایران، نمایانگر رویکردی متناقض و زیاده‌خواهانه است که مسیر دیپلماسی را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. استیو ویتکاف، نماینده ویژه آمریکا، در ابتدا به‌صورت تلویحی حق غنی‌سازی ایران تا سطح ۳.۶ درصد (مطابق برجام) را به‌رسمیت شناخت، اما این موضع بسرعت با تحریف مارک روبیو، وزیر خارجه آمریکا، مواجه شد که مدعی شد منظور ویتکاف، وارد کردن مواد غنی‌شده به ایران بوده، نه تولید آن. این تغییر موضع، با اظهارات دونالد ترامپ تکمیل شد که بار دیگر خواستار برچیده شدن کامل صنعت هسته‌ای ایران شد و تهدید کرد در صورت عدم تحقق این هدف از طریق دیپلماسی، تأسیسات هسته‌ای ایران را نابود خواهد کرد. ویتکاف نیز در مصاحبه با «ایربیتزات» این رویکرد را تقویت کرد و مدعی شد: «تأسیسات غنی‌سازی ایران باید برچیده شود و تهران نمی‌تواند سانتریفیوژ داشته باشد. ایرانی‌ها باید میزان غنی‌سازی اورانیوم خود را کاهش داده و آن را به مکانی دوردست بفرستند.» او در جدیدترین موضع خود در مصاحبه با ABC حق غنی‌سازی یک‌درصدی را غیرقابل قبول دانست و پیشنهاد آمریکا را راهحلی برای «حفظ کرامت ایران» توصیف کرد. این تحولات، که حاکی از پیشنهاد عملاً به معنای حلع کامل توان هسته‌ای ایران است. این اظهارات، که با تهدید و زیاده‌خواهی همراه است، نشان‌دهنده استراتژی آمریکا برای فشار حداکثری بر ایران و موضع دادن مذاکرات به بن‌بست است. در مقابل، سید عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، با تأکید بر تداوم غنی‌سازی و آمادگی ایران برای تضمین عدم تولید سلاح هسته‌ای، این مطالبات را غیرواقعی خواند و هشدار داد که چنین رویکردی به‌نتیجه‌ای نخواهد رسید. رهبر انقلاب نیز در مراسم بزرگداشت شهید رئیسی، با انتقاد از «یاوه‌گویی» طرف آمریکایی، بر سیاست مستقل ایران و عدم وابستگی به اجازه دیگران تأکید کردند و یادآور شدند که مذاکرات غیرمستقیم، همانند دورنتیسی، به‌دلیل زیاده‌خواهی‌های آمریکایی نتیجه‌ماند است. در این میان، اظهارات حسن روحانی درباره اعمال حل پرونده هسته‌ای در سال ۱۳۸۴، نه‌تنها هدفمند بشتوانه تاریخی است، بلکه با تقویت روایت غربی سعی بر مقصر بودن ایران در شکست مذاکرات، دست طرف مقابل را برای روایت‌سازی علیه ایران بازتر می‌کند و مذاکره‌کنندگان ایرانی را در میز دیپلماسی و فضای رسانه‌ای تحت فشار قرار می‌دهد.

نگاهی از زاویه‌ای دیگر به جدال مجلس و وزارت راه در مورد سفر خانوادگی کیش

این راهش نیست

از یک‌سو مدلی فشاگرانه از فضاه‌ودادعای یک نماینده مجلس را شاهد هستیم که بارها از سوی رهبری رد شده است و سوی دیگر سفر لاکچری و تفریحی یک وزیر را که آن هم با آرزمان‌های انقلاب و نظام اسلامی مخالفت دارد و توضیح شفاف و اقناعی هم در آن دیده نمی‌شود. خیری از وزود فرد و دلیل‌دانش هم به این جدال نسبت نه تاظر با حلال مسئله باشد. این یعنی در مسیر شفافیت و در مسیر مبارزه با فساد با س